

فاطمه الهامی*
مربی زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه دریانوردی چابهار

فصلنامه مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹
(صص ۵۰-۲۹)

نسخه ی خطی مناقب علوی میر حسین علی تالپور و ویژگی های آن

چکیده

آخرین دوره ی رشد و شکوفایی زبان فارسی در سند به امرای تالپور ختم می شود که در قرن سیزدهم هجری قمری در حیدرآباد سند فرمانروایی داشتند و علاوه بر اینکه زبان فارسی زبان رسمی و درباری آنان بود، تألیفات عدیده ای به این زبان از خود بر جای گذاشتند؛ تألیفاتی که در شمار آخرین آثار بازمانده ی فارسی در پاکستان محسوب می شود.

یکی از این آثار مناقب علوی است که در مناقب و فضایل امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در حیدرآباد سند نگاشته شده است. این کتاب از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه به زبان فارسی است و از نظر ادبی درخور توجه است، ارزش معنوی و دینی دارد و از همه مهم تر شنیدن مناقب آن حضرت از زبان حاکم پاکستانی به زبان فارسی، تازگی دارد و قابل ملاحظه است. این نسخه به قلم توانای میر حسین علی خان تالپور

* Email: elhami_pn@yahoo.com

نوشته شده است و در زمره ی جامع ترین و کامل ترین آثاری است که بطور یکدست و یکنواخت به فضیلت مقام و شأن مولای متقیان پرداخته است.

به لحاظ زبانی، نویسنده با تلفیق خصوصیات زبانی سبک خراسانی، فنی، واژگان رایج در بین فارسی زبانان در سند، استفاده از واژگان هندی و سنندی به ایجاد سبک خاصی دست یافته است که در قرن سیزدهم قمری آن هم در شبه قاره، قابل توجه است. از جهت ادبی نثر، این کتاب به خصوص در دیباچه و توصیفات مربوط به حضرت علی(ع) مزین به انواع آرایه های ادبی از تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح، سجع، ترصیع و... است. هر چند کاربرد آرایه ها، کلیشه ای و تکراری است؛ اما در مجموع به ایجاد نثری تقریباً هنری و زیبا منجر شده است.

مناقب علوی به صورت نسخه ی خطی منحصر به فرد در گنجینه ی شخصی تالپوران نگهداری می شود و هنوز به زیور طبع آراسته نگردیده است. این اثر مجموعاً دارای ۱۷۶۰ صفحه می باشد که به نثر فارسی و خط نستعلیق تحریری نوشته شده است. معرفی و بررسی این اثر به لحاظ زبانی و ادبی، موضوع این مقاله است.

کلید واژه ها : علی (ع)، میر حسین علی تالپور، مناقب علوی ، نسخه ی خطی

مقدمه

زبان فارسی همواره در معرض آمیزش با فرهنگ ها و تلاقی افکار و اندیشه های گوناگون در بستر زمان پویایی خود را حفظ کرده و در هر دوره با تولید آثار ادبی برجسته و ممتاز، شگفتی ها آفریده است. ادبیات و فرهنگ ایرانی در طول دوران پرفراز و نشیب تاریخی خود، ارتباط تنگاتنگی با شبه قاره داشته است؛ بلکه می توان گفت شبه قاره پناهگاه و مأمن امنی برای شاعران و هنرمندان ایرانی مهاجر و نیز فارسی دوستان آن دیار بوده و این ارتباط سبب توجه به زبان و ادب فارسی در آن سرزمین گردیده است؛ به طوری که مدت زمانی نه چندان دور به عنوان زبان رسمی نزد حاکمان آن دیار ارج و منزلتی پیدا نموده است.

زبان فارسی نه تنها منعکس کننده ی افکار ملی و فرهنگی ایرانیان به مرزهای خارج از ایران به خصوص در شبه قاره است، بلکه زبان نفوذ اسلام و تعلیمات دینی به کشورهای هم جوار است. سلطان الطاف علی در مقاله ی «ارج و اعتبار زبان فارسی در پاکستان دیروز و امروز» می گوید: «... افکار ما از فارسی و ادب فارسی تأثیر عمیقی گرفته است. میراث دینی و فرهنگی ما همه از تاریخ و فرهنگ فارسی مملو است. اگر راست بگویم زندگی دینی و ملی ما بدون فارسی و ادب فارسی چون جسدی بی روح است. همچنین افکار ملی، فرهنگی، دینی و انسانی ما از سرچشمه فیضان فارسی بهره گرفته است. پس ترویج زبان فارسی کاملاً لازم است؛ زیرا فارسی برای ما ارزش دینی و فرهنگی دارد.» (الطاف علی، ۱۳۷۴: ۱۶۳)

ایالت سند پاکستان یکی از مهمترین مراکز ترویج زبان و ادب فارسی بوده که از این نظر به عنوان بخشی از شبه قاره دارای تمدن و فرهنگی بسیار قدیمی است. از دیرباز نه تنها گفتگوها در آنجا به زبان فارسی رواج داشته بلکه تألیف و تصنیف و سرودن شعر نیز به این زبان رایج بوده است، «وجود صدها کتیبه به زبان فارسی در سراسر سند، موجودیت و فرهنگ ایران را در سراسر آنجا به اثبات می رساند.» (مصطفوی، ۳۷۹: ۷۷)

خاندان تالپور

یکی از راه های تقویت زبان و ترویج فرهنگ ایرانی در دیار سند، وجود فرمانروایان و حاکمانی بود که اکثر آنان ادب پرور و علم دوست بودند. به زبان فارسی مسلط بودند و به سبب تشویق و حمایت آنان شعرا و علمای فارسی زبان در دربارشان شأن و مقامی داشتند. حکمرانان و فرمانروایان مقیم در سند، از خاندان سومره، سمه، کوکلتاش و ارغون، ترخانیان، کلهورا تا تالپوران همه فرمانروایان علم دوست و ادب پرور بوده اند.» (سلیم نوری، ۱۳۸۱: ۵۸) برخی از این فرمانروایان و حاکمان صاحب ذوق در اعصار گوناگون، این سنت علمی و ادبی را نسل به نسل در

آن دیار جاودان نمودند و آثاری از این دست به یادگار نهادند. در این میان خاندان تالپور از اهمیت خاصی برخوردارند.

امرای تالپور که از اقوام بزرگ بلوچ به شمار می آیند، علاقه ی خاصی به زبان و فرهنگ فارسی داشتند و به وسیله ی این زبان در ایام حکمرانی خویش، آثاری به نظم و نثر آفریدند. مکاتبات رسمی آنان نیز به زبان فارسی صورت می گرفت و همین امر سبب گردید که این زبان در دربار آنان زبان رسمی و درباری شمرده شود. دوره ی فرمانروایی آنان از غنی ترین و پربارترین دوره ی گسترش زبان و ادب فارسی در این سرزمین بوده است. برتری دوران تالپوران بدین جهت است که اکثر آنان صاحب کتاب و دیوان به زبان فارسی بوده اند. بنابراین تألیفات عدیده ای پدید آوردند و دیوان های بزرگ مشتمل بر هزاران بیت به یادگار گذاشتند که اکنون به صورت خطی و چاپی در کتابخانه ها و در منازل شخصی اولاد این خاندان فرهنگ دوست وجود دارد. جدا از توجه آنان به زبان و ادب فارسی، شاخص ترین ویژگی این خاندان، شیعی بودن آنان است. تدین و عشقی که به حضرت محمد (ص) و آل محمد (ص) داشتند و اخلاصی که به ائمه ی معصومین به خصوص به مولای متقیان علی (ع) ابراز می داشتند، سبب شد مناقب نویسی به زبان فارسی در این دوره بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

با هجوم استعمار به شبه قاره در دوران تالپور، آنان آخرین خاندان فارسی زبان و فرهنگ دوست در سند محسوب می شوند؛ بنابراین آثار به جا مانده از این دوران نیز در زمره ی آخرین آثار زبان فارسی است که مدت ها در گنجینه شخصی خاندان تالپور ناشناخته و گمنام باقی مانده است. وجود تعدد نسخه های خطی فارسی در این گنجینه که بخش اعظم آن هنوز به زیور طبع آراسته نشده است، مؤید اوج شکوفایی زبان و فرهنگ فارسی در قرن سیزدهم هجری قمری در ایالت سند است.

یکی از آن ها، نسخه ی خطی منحصر به فرد مناقب علوی است که در این گفتار قرار است به صورت موجز و نمونه وار، فراخور گنجایش یک مقاله به معرفی نویسنده

و خصوصیات این اثر پردازیم؛ در هر بخشی که به متن ارجاع شده است، از ذکر نام کتاب و نویسنده به دلیل تکرار زیاد خودداری کرده، تنها یکبار آن را در اولین ارجاع به طور کامل ذکر و سپس به شماره ی صفحه ی نسخه خطی اکتفا نموده ایم.

معرفی نویسنده ی کتاب

میرحسین علی خان متخلص به «حسین» و ملقب به «سرکار دولت مدار» فرزند میرنور محمد خان، فرزند میر مراد علی خان تالپور است که در حیدرآباد متولد شد. سال تولد او در تذکره ها درج نشده است؛ اما به طور قطع از نویسندگان و شاعران اوایل قرن سیزده هجری قمری است.

در برخی از تذکره ها و کتاب ها از جمله نام این شاعر از روی غفلت «میر حسن علی خان بن میر نور محمد خان تالپور» ثبت شده که نادرست است؛ زیرا میر حسن علی خان فرزند میر محمد نصیر خان ملقب به «سرکار رفعت مدار» است و تألیفات بسیاری جدا از تألیفات میر حسین دارد.

حسین از امیران و شاعران پارسی گوی سندی است. پدرش به مدت ۶ سال (۱۲۴۹-۱۲۵۵ق) فرمانروای حیدرآباد سند بود و پس از مرگ او، قلمروش میان دو پسرش میر شهادت خان حیدری و میر حسین علی خان تقسیم گشت. پس از شکست تالپوران و افتادن سند به دست انگلیسی ها (۱۲۵۹ق) میر نور محمد خان، پدر حسین علی خان دستگیر و تبعید شد. برای اینکه تخت سلطنت خالی از پادشاه نباشد و سند دچار هرج و مرج نشود، میر محمد نصیر خان که در اداره ی امور سند با برادرش میر نور محمد خان سهیم بود و آشنایی کاملی با امور مملکتی داشت، بر تخت پادشاهی نشست؛ اما سرانجام در جنگی معروف به «میانی»، انگلیسی ها بر سند مسلط شدند و همه امیران تالپوری را در بند کشیدند و از سند تبعید کردند. (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۴: ۹۹۵)

پس از شکست تالپوران و افتادن سند به دست انگلیسی ها (۱۲۵۹ق) حسین علی خان نیز همانند دیگر امیران تالپور، از سند تبعید شد و پانزده سال را تحت نظر در

کلکته گذراند. سپس به زادگاهش حیدر آباد بازگشت. (همان) میر حسین علی خان در مناقب علوی بخشی از خاطرات تلخ خود را از چگونگی مقابله با انگلیسی ها و سازش برخی امرای تالپور با متجاوزان و ایستادگی برخی دیگر از جمله خودش آورده است. (میرحسین علی خان، ۱۲۸۲: ۷-۷۵۴)

مؤلف مناقب علوی به فارسی، سندی و اردو شعر سروده است. اشعارش را ساده و روان و برخوردار از صنایع لفظی و معنوی فراوان مانند مراعات نظیر، ایهام، تضاد و تشبیه دانسته اند. (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۴: ۹۹۵) از ویژگی های بارز او در کتاب منشور مناقب، می توان به تسلط بسیارش به زبان فارسی، گرایش به مذهب شیعه و ارادت و عشق به حضرت علی (ع) و ائمه ی معصومین اشاره کرد. نام حسین علی خان تالپور در کتاب «آثار الشعراء» در ردیف شعرای شبه قاره ثبت و ضبط گردیده است. (اکرام، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

از نظر اعتقادی، شیعه مذهب و در اعتقاد خود بسیار راسخ و متعصب بود. این امر از لابلای سطور مناقب علوی کاملاً مشهود است. به خصوص آنجا که با ایباتی روان در قالب مثنوی بلندش در یکصد و بیست و پنج بیت، در ابتدای «نسخه» به حمد خدا و سپس به نعت رسول و مدد جویی و شفاعت طلبی از پیامبر گرامی (ص) و ائمه ی اطهار (ع) با ذکر نام و القاب دوازده امام پرداخته است. (میرحسین خان تالپور، ۱۲۸۲: ۳) سرچشمه بسیاری از امور خارق العاده و فرا بشری که در قالب حکایات، روایات و اشعار به حضرت علی (ع) نسبت داده است، ناشی از عشق خالصانه و بی حد و حصری است که به مولای متقیان به عنوان یک شیعه مخلص و متعصب دارد. جانبداری نویسنده از آن حضرت به طور بارزی در این داستان ها دیده می شود و عنادی را که به مخالفان حضرت علی (ع) دارد، با شجاعت و دلیری ابراز نموده است و مشخص است که از موضع حکمرانی و قدرت خود استفاده نموده است. عشق و علاقه ی وافر او به پیامبر (ص) و اهل بیت به خصوص امام علی (ع) از نگین خاتم و مهر او کاملاً مشخص و هویدا است. مهری که قطعاً نامه های رسمی و غیر رسمی بدان

مزین می گشته و در اقصا نقاط سند در گردش بوده است، سند گویای ارادت و اخلاص او به اهل بیت است.

این سه بیت بر مهرش حک شده بود:

کرد روشن ز فیض لم یزلی آفتاب جهان حسین علی
به روز حشر مددگار او علی ولی ز فیض نور محمد (ص) زهی حسین علی
ز نور محمد (ص) بود منجلی چراغ مراد حسین علی

میر حسین علی خان با علما و فضلا مجالست داشت. وقتی که انگلیسی ها خاندان و امیران تالپور را در بند کردند. نواب حسین علی خان در زندان کلکته، علمای لکهنو و ایران را ملاقات کرد. وی به سال ۱۸۵۹م از زندان آزاد شد. (نقوی، ۱۹۸۴: ۸۸) و به سند بازگشت و به تاریخ ۲۶ ربیع الاول ۱۲۹۵ هجری قمری، از این جهان رخت بر بست. مزار او در گنبد تالپوری، کنار گنبد میر کرم علی خان در حیدرآباد است .

آثار نویسنده

از میر حسین علی خان غیر از مناقب علوی، آثار دیگری چون شاهد الامامت به نثر فارسی، لب لباب به نثر فارسی، دیوان حسین (به فارسی و اردو) و دیوان حسین (اردو) بر جای مانده است. (تتوی، ۱۹۵۸م: ۷۵۶) برخی از آثار او در حال تصحیح و چاپ می باشد. (انوشه، ۱۳۷۵، ج ۴: ۹۹۵)

مشخصات نسخه خطی مناقب علوی

نام کتاب

نویسنده ی مناقب در دیباچه ی این نسخه آنجا که می خواهد انگیزه ی خود را از نوشتن اثرش ذکر کند، هم به معرفی خود می پردازد و هم نام اثرش را می آورد: «... اما بعد مستمند فیوض ازلی محمد حسین علی ابن حضرت بندگان، ظل سبحان، قبله عالم، کعبه مکرم ... سرکار عالیمدار امیر صاحب میرمیان، نور محمد خان مرقد الله

نور قد سره علیه الرحمه به موقف عرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می رساند که بر رای فیض آرای ارباب دانش و بینش مخفی و محتسب نماند که باعث تصنیف این صحیفه مبارکه میمونه که مسمی به مناقب علویست آن شد، یعنی روزی کتاب مناقب مرتضوی را در مطالعه می آوردم که محبت پدری غلبه آورد، دل ناتوانم را از قوت توانایی بخشیده، اراده نمودم که مثل آن کتاب دیگر تألیف نمایم تا دوستان را از مطالعه آن سرور حاصل آید و دشمنان به مانند هیمه بسوزند؛ بناجهت در تصنیف آن پرداخته ام. « (میرحسین علی خان تالپور، ۱۲۸۲: ۸) بنابراین بر اساس مقدمه ی اثر نام کتاب « مناقب علوی » و نویسنده ی آن، میر محمد حسین علی خان فرزند نور محمد خان می باشد.

موضوع کتاب

موضوع این نسخه در مناقب و فضایل امیر مؤمنان حضرت علی (ع) می باشد که در حیدرآباد سند نگاشته شده است. نویسنده با عشق و اخلاص به بیان رشادت ها، جنگ آوری ها، مردانگی ها و شجاعت های آن حضرت در قالب حکایت و روایت با ذکر موضوعات تاریخی و فرا واقعی پرداخته است؛ البته حکایت هایی که در آن، افسانه سازی و اسطوره پروری به چشم می خورد و اعجاز حضرت علی (ع) را در حد اسطوره رفعت می دهد، در این اثر بسیار فراوان است و آن را در رده ی یک حماسه دینی و مذهبی قرار می دهد. نویسنده پاره ای از حکایات را با ذکر منبع و مأخذ و برخی را بدون ذکر منبع آورده است. در این کتاب میر حسین علاوه بر اینکه به تبعید و اسارت خود در ساسور و کلکته و آزادی از زندان و بازگشت به وطن اشاره کرده ، پاره ای از معجزات را که در سرزمین مادری اش از آن حضرت شنیده، نیز بیان نموده است و گاه معجزاتی را که به اعتقاد خود از آن حضرت در زندگی شخصی خود دیده، هم بازگو نموده است. در هر حال توجه به کثرت انتخاب چنین موضوع و محتوایی ، مؤید عشق و اخلاص ساکنان آن دیار به مولای متقیان می باشد.

زمان تألیف و مکان نگهداری نسخه

در فهرست «گنجینه خطی و هنری تالپوران» سال نگارش آن نامعلوم ذکر شده است. اما نویسنده در دو قسمت از کتاب تلویحاً به سال ۱۲۸۲ هجری اشاره کرده که باید به احتمال قوی سال تألیف کتاب باشد. «... از آن میان میر رستم خان به مرض وبا بمرد... و میرالله بخش تا حال که سنه ۱۲۸۲ هجری در پونه است.» (میر حسین علی خان: ۷۵۹) «... مؤلف گوید که در سر کار ما شخصی حکیم نام نوکر بوده از طایفه افغان، او ذکر می کرد از سادات پشنگی، دشمنی که ما تعریف اوشان از زبان حکیم افغان می شنیده ایم تا که امسال که یک هزار [و] دو صد [و] هشتاد [و] دو سال است، شخصی از سادات پشنگی از مکه معظمه برسد که به وطن خود می رفت...» (همان: ۱۴۱۷)

این اثر در گنجینه ی شخصی تالپوران در حیدر آباد سند نگهداری می شود و هنوز به زیور طبع آراسته نگردیده است.

نام مؤلف و کاتب

این نسخه به قلم توانای میر حسین علی خان تالپور است و در زمره ی جامع ترین و کامل ترین آثاری است که بطور یکدست و یکنواخت به فضیلت مقام و شأن مولای متقیان پرداخته است. نام کاتب مشخص نیست و در جایی از نسخه نیز درج نشده است.

▪ تعداد صفحات، زبان و خط کتاب

تعداد صفحات نامعلوم است: زیرا کتاب دارای شماره ی صفحه نیست؛ بلکه به شیوه ی اکثر نسخ خطی در پایان هر صفحه اولین واژه مربوط به صفحه بعد نوشته شده است. از روی تعداد عکس های گرفته شده از صفحات نسخه در لوح فشرده، این مجموعه دارای ۱۷۶۰ صفحه می باشد و تعداد سطور در هر صفحه پانزده سطر است.

زبان کتاب به نثر فارسی روان و به خط نستعلیق تحریری است. در پاره ای موارد به دلیل ساییدگی ناخوانا می باشد.

▪ اندازه ی کتاب و ارزش کتابت

اندازه ی قطع نسخه در فهرست «گنجینه خطی و هنری تالپوران» به این ترتیب ذکر شده است: طول- ۲۳,۵ ، عرض- ۱۸,۵ ، حجم- ۴. به لحاظ ارزش کتابت تا حدودی کم غلط می باشد و جلد آن مقوایی است.

▪ شروع و پایان کتاب

نویسنده، کتاب را با عنوان « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » شروع کرده است و اولین سطر این نسخه را در پیوست به «بسم الله» با آیات آغازین کتاب مبین از سوره ی فاتحه در حمد خداوند شروع کرده است:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ؛ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ؛ مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ » حمد و سپاس آن صانعی راست که انسان را از مخلوقات [۱] شرف نموده، مشرف به شرف ساخته؛ خلعت هستی داده. «

پایان کتاب بدون واژه «ختم یا تمت» در وسط صفحه با این عبارت به انجام رسیده است: «...چنانچه از خود آن حضرت امام منقول است که فرمودند: «الدهر انزلتی و انزلتی حتی یقولون معویه و علی» یعنی زمانه مرتبه مرا در پستی و زیونی به جایی رسانید که با معاویه مرا برابر کردند.» (میرحسین علی خان، ۱۲۸۲: ۱۷۵۰)

۱- ویژگی های رسم الخطی و کتابتی نسخه

کل صفحات نسخه به خط نستعلیق تحریری نسبتاً خوب و خوانا کتابت شده. در برخی از قسمت ها، آیات و روایات آن نیز برای تمییز بیشتر و تشخیص بهتر یا برای اجلال و اعزاز به خط نسخ کتابت شده است. متن بدون فاصله و پشت سر هم نوشته شده؛ تنها در موضعی از علاماتی به رنگ شنگرف شبیه به پنج () یا چند نقطه به صورت اضافه (*) استفاده شده است. عنوان موضوعات با شنگرف ممتاز شده؛ اغلب اشعار به صورت سه مصراع در یک سطر آورده شده است.

۱- متن تقریباً اشتباهات املائی زیادی دارد؛ اما کاتب در اثر خوش سلیقگی با علم به اشتباهاتش، جهت مخدوش نکردن نگاشته هایش بر خطاهای خود خط بطلان نکشیده، بلکه از چند شیوه بهره برده است:

گاه دور واژه ی غلط را با رنگ شنگرف نقطه چین یا خط اریب گذاشته به گونه ای که تا خواننده به آن کلمه نرسد، آن را از سایر کلمات ممتاز نمی بیند. مانند: صص ۱۲۲، ۲۰۹، ۲۷۴، ۲۷۵، صص ۴۵۵، ۴۴۷، صص ۷۹۹، ۸۲۵، صص ۸۵۸، صص ۸۶۲ و...
گاه مطالب افتاده از متن را با گذاشتن شماره در حاشیه آورده است. مانند: صص ۶۷، ۱۶۹، ۲۱۹، صص ۷۱۸ و...

در مواردی که دو واژه را جا به جا نوشته است، از حرف «خ» و «م» که ظاهراً مخفف «مؤخر» و «مقدم» می باشد، بسیار ریز بالای آن واژه ها با شنگرف استفاده کرده است. مانند: «حق کدام - کدام حق» صص ۵۲، «علی کشید یکی نعره ز جگر آنچنان - آنچنان ز جگر» صص ۹۶، «دگر به نزد علی آمده باز سلمان - باز آمده» صص ۱۰۲ و...

یا از شماره بر بالای واژگان جهت جا به جا کردن واژه ها استفاده کرده است: «جوابش بلا نعم کس ۲ هم ۱ هم کس» نداد. صص ۸۸۸

هرگاه واژه ای ناخواسته تکرار شده، بالای آن واژه ی تکراری در دو طرف گاه از حرف «لا» استفاده کرده است و گاه از حرف «ز»، بدین معنی که آن واژه جزء متن نیست و یا زاید است. مانند: صص ۳۷ و ۱۲۷ و ۲۷۵ و ۳۰۱ و ۴۲۴

- ۲- ویژگی های دیگر رسم الخطی خاصی در این اثر وجود دارد که پی بردن به آنها خوانش متن را آسان تر می کند و در تصحیح به شیوه رایج امروزی اصلاح گردیده است.
- صامت « گ » در همه جا به صورت « ک » به کار رفته است . همین امر در پاره ای از موارد مفهوم را دچار اشکال می کند :
 - « ... که از رونق چهار بازار عناصر کرم او کرم است (گرم است) » (ص ۲)
 - « اتفاقاً جهاز در کردابی افتاده مدت مدید و عهد بعید چون کردون گردان در گردش بود. [گردون گردان در گردش بود.] » (ص ۲۳)
 - « درین مدت که کم کردید، می گردد در آن وادی. » (ص ۱۴۶)
 - صامت « ج » در برخی موارد به صورت « چ » به کار رفته است:
 - « اگر کلاغی پرواز کند از چو جگی و پیر شود. » (ص ۷۲۹)
 - « خوارچی (ص ۳۹۰)، حاجی (ص ۳۹۱)، خارچی (ص ۴۲۱) و... »
 - صامت « ب » در برخی موارد به صورت « پ » و برعکس به کار رفته است:
 - « بلکه طبانچه آن چنان از دست الهی خورده که گردنش کج شده. » (ص ۱۷۷)
 - « یاعلی ... هرگاه کسی روزه بگیرد یا نماز کند تا آنکه مثل چوب بوسیده (پوسیده) شود. » (ص ۷۷۵) ، « بادشاه (ص ۳۳۹ و ۴۶۰ و...) بیغام (بیغام) و... » (ص ۱۳۹)
 - در بیشتر موارد علامت « ~ » روی الف نیامده است و یا نابجا بکار رفته است
 - « مگر شرط کنید که کدام رنج بال (به آل) من نرسانید. » (ص ۲۹)
 - « از این خیال ندامت مال (مأل) در گذر. » (ص ۲۵۸) ، « خون اشام » (ص ۴۹۸) « سردآب (ص ۱۳۲) ، آسامی سرآن- اسامی سران (ص ۴۷۳) ، او آخر شب (ص ۴۱۸) ، مآفات (ص ۴۹۴) و ... »
 - املا ی برخی از کلمات به شیوه عربی در متن فارسی کتابت شده که اصلاح گردیده است:

« قدرت الله (ص ۲۳۵)، بمدة (ص ۳۳۱)، معویة (ص ۲۴۴)، توراة (ص ۷۲۵)، زکوة (ص ۷۹۵) و...»

• همزه در واژگان دارای همزه رعایت نشده که در متن لحاظ گردیده است:
« شان - شأن (ص ۲۲۹)، جرات (ص ۳۶۱)، تالیف (ص ۲۵۱)، یاجوج و ماجوج (ص ۴۴۳) و...»

• کاربرد « همزه » به جای « ای » بسامد بالایی دارد؛ اما گاهی نویسنده یا کاتب از همزه استفاده نکرده است. در تصحیح متن «همزه» به صورت « ای » اصلاح شده است و هر جا همزه به کار نرفته، از [ای] استفاده گردیده است:

«می دانی سبب این آن است که بر امیرالمؤمنین خروج کرده.» (ص ۳۹۰)

«آیا نه شنیده که علی بارها می فرمود؟» (ص ۸۲۸)

«بعد از لحظه [ای] که آواز تکبیر شنیدیم، دانستیم که امیر وی را کشته است.» (ص ۴۹۷)

«به جایی رسید که خار و خاشاک در آنجا به مرتبه [ای] بود که گنجشک را در آن راه رفتن نبود.» (ص ۵۵۷)

• فصل و وصل کلمات و حروف: در این نسخه موارد ذیل به صورت متصل آمده است:

- حذف همزه: در نمونه واژگان ذیل همزه حذف شده؛ ظاهراً به گونه زبانی و لهجه رایج در منطقه سند بی ارتباط نیست: «بران (ص ۲۴۶)، درین امر خطیر (ص ۳۲۵)، حد برو کن (ص ۳۳۱)، مرویست (ص ۲۲۹)، منقولست (ص ۲۳۰)، تست (ص ۲۵۱) و...»

- شیوه رایج در رسم الخط این اثر اغلب بر اتصال کلمات است:

« بسوی حق (ص ۶۰)، بدرستیکه (ص ۲۷۴)، دیگریرا (ص ۲۲۹)، قدیمرسانند (ص ۳۱۸)،

پنجتن (ص ۳۵۲)، ایخواجه (ص ۴۱۴)، میدانستم (ص ۵۳۳)، آنجوان (ص ۶۶۷) و...»

- پیوستگی و اتصال «های» جمع به کلمات مختوم به های غیر ملفوظ و حذف آن: «چشمها - چشمه ها (ص ۲۷۸ و ۷۲۸)، جامها - جامه ها (ص ۳۷۵)، شاخهای خود - شاخه ها... (ص ۶۹۰)، دَبَها - دَبَها (ص ۴۱۸)، خستها - خسته ها (ص ۳۸۶) و...»

انفصال و جدا نویسی در مواردی که امروزه جایز نیست:

• «بای» تأکید به فعل و «نون» نفی:

«نه نموده (ص ۲۴۳)، نه نشسته (ص ۳۵۶)، به ترس (ص ۴۱۵)، نه بسته (ص ۵۳۲)، به

بینم (ص ۶۸۹) و...»

• جدا نویسی برخی واژگان:

«همه گان (ص ۲۲)، کچه کشان (ص ۱۵۷)، هشت صد من (ص ۵۰۹) و...»

۲- گونه های زبانی و لهجه ها در این نسخه

برخی از ویژگی های رسم الخطی تحت تأثیر لهجه ها و گونه های زبانی زمان مؤلف و بخصوص کاتب است؛ به طوری که برخی واژه ها را با همان تلفظ رایج محلی، نوشته اند. ثبت و تفکیک این موارد جدا از ویژگی های رسم الخطی، این امکان را می دهد که گونه های رایج زمان مؤلف حفظ گردد:

آوردن «ی» در پایان واژگانی که مختوم به مصوت بلند هستند که بر اصلی بودن «ی» در کلمات مزبور اشاره دارد. بر اثر عادات زبانی در عصر ما «یای» مذکور را در صورتی جزء کلمه می دانند که حالت اضافی داشته باشد؛ حال آنکه پوشیده نیست که «یای» مذکور آن چنان که از متون بر می آید، ظاهراً تا سده هفتم هجری جزء اصلی کلمه بوده است. (مایل هروری، ۱۳۸۰: ۳۲۳) در واقع نوعی شیوه ی سبکی آوایی-نگارشی متون متکلف و مصنوع به شمار می آمده؛ ظاهراً در فارسی سند نیز رواج داشته و نثر نویسندگانی نسخه فراوان از آن برخوردارست:

«اهل مکه را که نو مسلم بود، از عطاها بی انتهای گران بار گردانیده... آنگاه خود با

وصی خود، علی ولی بدان جای تشریف برده.» (ص ۵۱۸)

- « آنکه آب از دهان ازدهای به جای زهر جاریست . » (ص ۱۲۱)
- « به امید آنکه امیرالمؤمنین از عین عنایت بر وی نظری اندازد و از برای درمانش دوی سازد. » (ص ۴۳۵)
- آوردن « ی » به نشانه ی کسره در پایان برخی واژگان : به نظر می رسد منطبق با نوع تلفظ خاص فارسی دری در آن دیار، یادگار سبک خراسانی باشد :
- « چه راهی که از موی باریک تر ز دود شبی هجر تاریک تر » (ص ۵)
- « به نام حسن داوری روزگار مرا از غم رنج محنت برآر » (ص ۷)
- « به مهدی هادی شهی نام دار کزو گشت دینی نبی پایدار » (ص ۷)
- « خبر دادن امیرالمؤمنین از مال تاجر که ابوبکر در حیاتی خود دفن نموده بود. » (ص ۲۹۳)
- « بعضی گویند که لشکری امیر آمده و طلحه با او بیعت کرده. » (ص ۵۲۵)
- تکواژ «یی» در اغلب کلمات به صورت «ی» نوشته شده است که ظاهراً به نوع تلفظ بر می گردد:
- « چو بی مونسان راتوی غمگسار مرا در قبر نیز باشی تو یار » (ص ۷)
- « نمای به نیکوترین حال تن چو سنجد ترازوی اعمال من » (ص ۷)
- « نشان دیگر هم هست اگر آن را نیز بیان فرمای و ابواب حیرت بر روی من بگشایند. » (ص ۱۸۲)
- « که روزی یهودی چند از روی تمسخر گدای پیش حضرت امیر - علیه السلام - فرستاده. » (ص ۳۹۶)
- حذف « ی » نشانه کسره : ظاهراً از ویژگی های تلفظی و زبانی فارسی رایج در سرزمین سند بوده است؛ یعنی به صورت همزه در تلفظ می آمده است و گاه همزه به جای «ی» کتابت می شده. این امر گاه موجب اشکالاتی در وزن ابیات و باعث دیریابی مفهوم در متن می شود؛ شواهد بسیار است. در اینجا تنها به نمونه هایی اشاره می شود:

« بفرما دعا مرا مستجاب » (ص ۵) «قبطیان او را خدای خود می دانستند»
(ص ۲۰)

« دیدم کوه ها مکه به راه افتادند. » (ص ۱۱۵) «گفت: هیچ از خلفا ثلاثه مرقوم
نموده [ای]؟» (ص ۲۵۲)

« میان ذوالقرباء خود قسمت می کرد. » (ص ۲۴۲) «مولای مشکل گشا (۲۹۹)، بالهائ خود
(۴۴۳) و...»

کاربرد « ئ » به جای « ی » : ظاهراً این نوع کاربرد نیز متأثر از لهجه و گویش بوده
است. جهت سهولت تلفظ در متن برخی از واژگان را که مؤلف با همزه بر کرسی «ی»
آورده، به صورت «ی» نوشته ایم:

«موئها - موی ها(۶۶۳)، پائهایش - پای هایش(۴۸۵)، خلائق - خلایق(۲۳۸)، آئنده -
آینده(۶۶۳)، شائسته - شایسته(۵۲۶)، پائمال - پایمال(۲۵۵)، حوائج - حوایج(۲۷۱)،
العجائب و الغرائب - العجایب و الغرایب(۲۵۰) و...»

رسم الخط برخی از افعال نیز به شیوه ذیل آمده که ظاهراً متأثر از گونه های زبانی است
که در فارسی امروز رایج نیست :

« بافکن (بیفکن) ص ۶ ، نه افتد (نیفتد) ص ۵ ، نه اید (ناید) ص ۳ ، به بندد(ببندد)
ص ۱۳۱، نه آمده (نیامده) ص ۵۳۹ و...»

برخی خصیصه های گونه زبانی را می توان در ذیل چند مقوله زبان شناسی به قرار زیر
از نسخه مناقب علوی نشان داد:

۱- ابدال) :

« استاده - ایستاده(۳۳۵)، پدرود - بدرود(۴۳۴)، کجانند - کجایند(۵۶۰) خسته -
هسته(۵۶۲)، فیروز - پیروز(۵۰۵)، هژده - هجده(۵۱۸)، واپس - بازپس(۳۵۴)، واز-
باز(۶۵۶)

و «گنبد (۱۲۵ و ۱۵۳ و...)، خدمت (۱۳۸ و ۴۰۷ و...) که بسامد بسیاری دارد .

۲- افزایش):

« دویم - دوم (۴۶۹)، سیوم - سوم (۴۷۶)، واعده - وعده (۴۷۰)، دعواى - دعوى (۵۲۲)، دعوات - دعوت (۵۲۳)، انبور - انبر (۴۵۲)، خورمى - خرمى (۱۸۳) خورداد - خرداد (۱۶) و...»

۳- حذف):

« بستانیده - بایستانیده (۵۴۴)، چار - چهار (۴۸۷)، دل فگار - دل افگار (۴۶۷)، یهودان - یهودیان (۵۱۰)، دوستر - دوست تر (۵۱۶)، هفصد - هفتصد (۲۷۱ و ۶۸) و...»

۳- تلفظ :

برخی از ویژگی های زبانی و لهجه شناسی نمودی در رسم الخط ندارد؛ بلکه از آهنگ و وزن شعر می توان بدان پی برد. تلفظ بعضی واژه ها با توجه به اوزان اشعار متفاوت با تلفظ رایج فارسی است. به نظر می رسد می بایست از اختصاصات فارسی مصطلح در هند و پاکستان باشد. شاید به دلیل خاستگاه زبانی اهالی آن دیار و لهجه ی خاص فارسی سند و شبه قاره، برخی واژگان به صورت ذیل تلفظ می شود :

«کرم کن کرم کن به من یا کریم	رَحَمَ کن رَحَمَ کن به من یا رحیم» (ص ۳)
«چنان مهربان کن قَبَر را به من	که بر طفل خود مادر اهرمن» (ص ۴)
«بدان زحمتش کز زهر یافته	که نخل شهادت ثمر یافته» (ص ۶)

۴- اشتباهات املائی

یکی از دلایل خطاهای املائی شتاب زدگی، سهل انگاری و گاه کم سوادى کاتبان در املاى فارسی است. گاه ناخوانا بودن خط مؤلف نیز سبب بروز ناهنجاری املائی در متن می شود. این اثر به دلیل حجم بسیار زیاد مطالب از این قاعده مستثنی نیست :

• برخی از اشتباهات که ناشی از کم سوادى کاتب است :

« ائامى (اسامى) ص ۱۵، ایزا (ایذا) ص ۴۴، نماز بگذارد (بگزارد) ص ۲۹، برمی خواست (برمی خاست) صص ۲۱ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۱۰ و ...، ثاقى (ساقى) صص ۷۳، ذخار (زخار) ص ۴۵، ذهى (زهى) ص ۲۱، ضرف (ظرف) صص ۵۹ و

۶۱، مرغزار (مرغزار) ص ۹۳، منتضر (منتظر) ص ۲۷ مناظره (مناظره) ص ۴۱۸
تادی (تعدی) ص ۵۶۶، بمبعی (بمبئی) ص ۷۵۵ و ... »

- در بعضی موارد کاتب به دلیل شتاب زدگی، حروفی را از واژه جا انداخته است :
« اولاد (اولاد) ص ۴، دان (دادن) ص ۴۸، علی الهیان (علی الهیان) ص ۳۲،
فرمودن (فرمودن) ص ۵۳ و کو (وکونوا) ص ۵۸۰، فتح خیر (خیر) ص ۵۸۸ و ... »

- برخی از حروف را در واژه جابجا آورده است :
« آن حالات (حلال) مشکلات ص ۱۲۹، الا آخر (الی آخر) ص ۶۳، « علی را نام
نامش [مامش] فاطمه بود » ص ۱۱۲، « فضیلت داشته ابوفضل (بوالفضل) بسیار »
ص ۱۱۲ کابر (کافر) ص ۵۲۹، لطاق (نطق) ص ۵۳۲ اوضای (اعضای) ص ۵۳۵،
نائک (نایب) ص ۵۳۶

- و یا حروفی اضافه در واژه بکار برده است :
سید الاشباب (سید الشباب) ص ۷۳، خورد (خرد) ص ۱۰۶، پذیرفت (پذیرفت)
ص ۲۶ و ... »

- گاهی در نقطه گذاری، تساهل نموده است :
نقطه ها را جابجا گذاشته و یا آنها را جا انداخته است : « اجراج (اخراج) ص ۳۹،
بر حال رازشان (زارشان) ص ۴۷، خسخاس (خشخاش) ص ۳۲، دوزح (دوزخ)
ص ۴۳، فقل (قفل) ص ۱۰۳.

- گاهی نیز به دلیل سهل انگاری کاتب، برخی حروف جا افتاده است که موجب
اختلالات وزنی در اشعار شده است :
اگر صد دوزخ اندر پوست داری نسوزی گر علی [را] دوست داری (ص ۴۳)
به نام نکو سید المرسلین خداوند علم [و] خداوند دین (ص ۴)

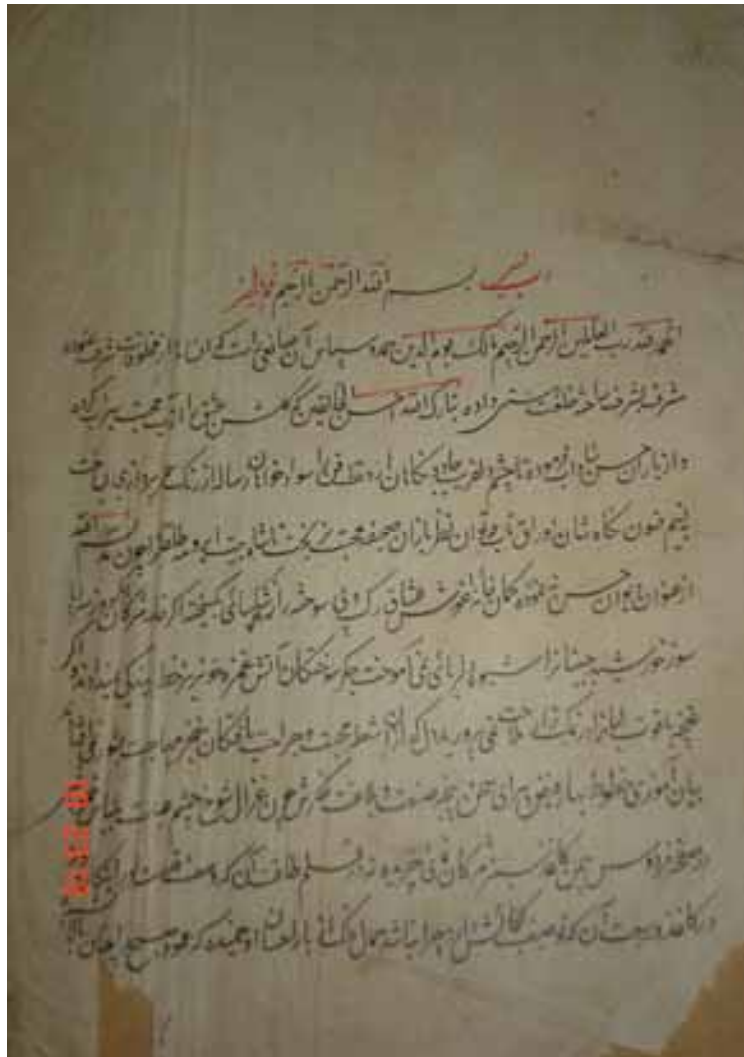
نتیجه

مخلص کلام اینکه مناقب علوی به عنوان متن منثور فارسی قرن سیزدهم هجری قمری در شبه قاره حائز اهمیت است و نشان می دهد که زبان فارسی در این دوره در شبه قاره به خصوص در سند از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. اینگونه آثار از یک سو تأکید بر حضور نویسندگان و شاعران فارسی زبان بسیاری دارد که آثاری شگرف به این زبان آفریده اند و از سوی دیگر حکایت از حضور مخاطبان فراوانی دارد که به چنین آثاری توجه داشته و در آن خطه، بازار فارسی گویی و فارسی نویسی را رونق داده اند. از همه مهمتر اینکه نویسنده ی مناقب، از خاندان تالپور است و خود از آخرین حاکمان و امرای این خاندان محسوب می شود؛ این نکته گویای این مطلب است که فارسی در سایه ی حمایت حاکمان آن دوره، به رشد و شکوفایی قابل ملاحظه ای رسیده؛ به طوری که علاوه بر کسب جایگاه زبان درباری و رسمی در آن دوران، تعدد آثار بدیع به قلم حاکمان آن دیار نیز بر اهمیت زبان فارسی صحنه گذاشته است و به طور قطع موجودیت این زبان را در تاریخ آن سرزمین مقامی والا بخشیده است.

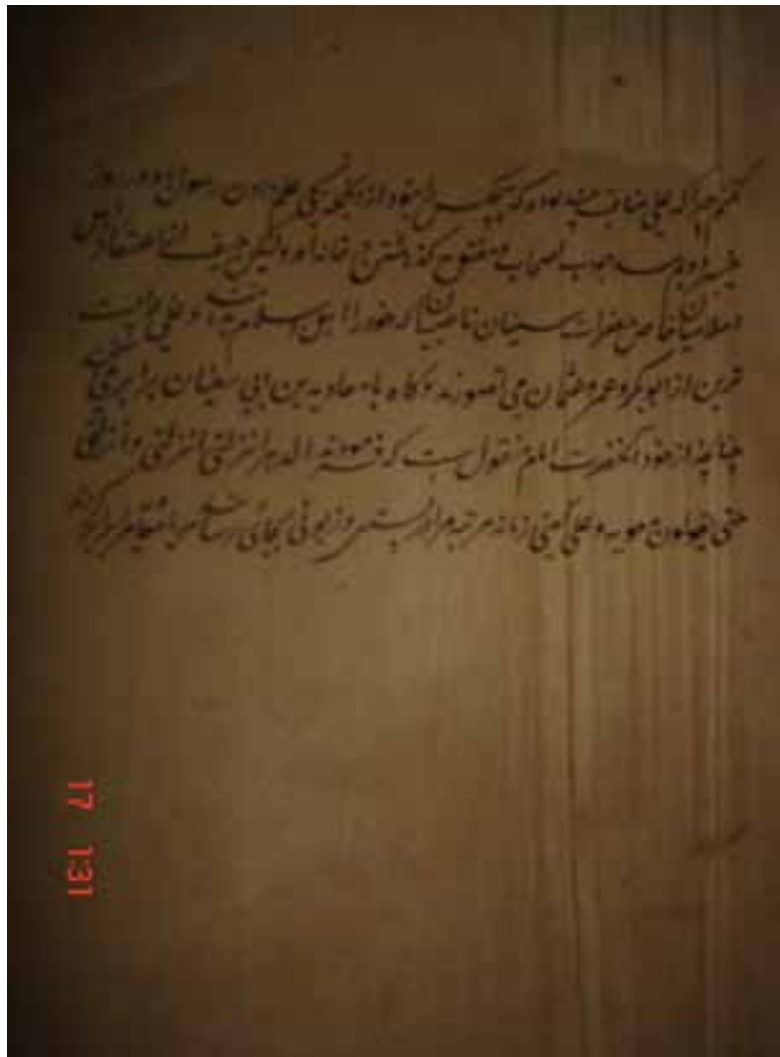
توجه به خصایص و ویژگی های رسم الخطی و ظرایف و دقایقی که نویسنده در مسائل رسم الخطی رعایت کرده است، ما را با شیوه ی نگارش زبان فارسی در قرن سیزدهم هجری قمری بیشتر آشنا می کند. گونه های زبانی و لهجه ها و تلفظ خاص برخی از واژه ها در سند که رسم الخط متأثر از آن هاست و کاملاً متفاوت از اصطلاح رایج آن در بین ایرانیان است، این امکان را به ما می دهد که بیشتر با مسائل زبانی و گویشی آن دیار آشنا شویم و به قابلیت های زبان فارسی در فراسوی مرزها پی ببریم.

منابع

- ۱- قران مجید
- ۲- الطاف علی، سلطان (۱۳۷۴) «**اوج و اعتبار زبان فارسی در پاکستان**»، دانش (فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، شماره ۴۳، صص ۱۶۱-۱۶۵.
- ۳- اکرام، سید محمد اکرم (۲۰۰۸ / ۱۳۸۷م)، **آثار الشعراء**، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۴- انوری، حسن (۱۳۸۱) **فرهنگ بزرگ سخن**، ج ۸، تهران: سخن.
- ۵- انوشه، حسن (۱۳۷۵) **دانشنامه ادب فارسی**، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- تالپور، میر حسین علی خان (۱۲۸۲) **نسخه خطی مناقب علوی**، حیدرآباد سند: گنجینه و موزه ی نسخ خطی تالپوران
- ۷- تتوی، مخدوم ابراهیم خلیل (۱۹۵۸م) **تکمله مقالات الشعراء**، تصحیح حسام الدین راشدی، کراچی: سندی ادبی بورد.
- ۸- سلیم نوری، شهلا (۱۳۸۱) «**ذوق ادبی میران تالپور حیدر آباد سند**»، مقالات سمینار زبان و ادبیات فارسی در سند، کراچی: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران
- ۹- صافی، قاسم (۱۳۸۳) **گنجینه خطی و هنری تالپوران**، اسلام آباد پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۰- فیروزآبادی، سید مرتضی (۱۳۹۲ق) **فضائل الخمسة من الصحاح الستة**، جلد ۳، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- ۱۱- مصطفوی سبزواری، رضا (۱۳۷۹) «**سهم ایران در تمدن دره سند**»، دانش (فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، شماره ۶۲-۶۳، صص ۷۵-۸۲.
- ۱۲- نقوی، سید حسین عارف (۱۹۸۴م) **تذکره علمای امامیه پاکستان**، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.



صفحه اول نسخه خطی مناقب علوی - از گنجینه نسخ خطی تالپوران، سند



صفحه آخر نسخه خطی مناقب علوی، از گنجینه نسخ خطی تالپوران، سند